

اما اگر بعد از حذف «ت» اولین حرف ساکن نباشد. **دگر نیازی همزه است** **تَعْلَمُونَ عِلْمًا** **تَجَاهِدُونَ جَاهِدًا**
 همزه‌ی امر باب «افعال» فتحو می‌گیرد. هر وقت **تَفْعَلُونَ** **تَعْلَمُونَ** **تَجَاهِدُونَ** هر فعلی که با «ا» یا «ی» شروع شده باشد فعل امر است بجز ماضی ثلاثی مزید. (بجز **إِنفَعَلَ** — **إِنفَعَلْ** — **أَسْتَفْعَلْ**)

متکلم اول شخص		مخاطب دوم شخص		غائب سوم شخص	
مؤنث	مذکر	مؤنث	مذکر	مؤنث	مذکر
لِذَهَبٍ بایم بریم	لِذَهَبٍ بایم بریم	لِذَهَبٍ بایم برید	لِذَهَبٍ بایم برید	لِذَهَبٍ بایم برود	لِذَهَبٍ بایم برود
لِذَهَبٍ بایم بریم	لِذَهَبٍ بایم بریم	لِذَهَبٍ بایم برید	لِذَهَبٍ بایم برید	لِذَهَبٍ بایم برود	لِذَهَبٍ بایم برود
لِذَهَبٍ بایم بریم	لِذَهَبٍ بایم بریم	لِذَهَبٍ بایم برید	لِذَهَبٍ بایم برید	لِذَهَبٍ بایم برود	لِذَهَبٍ بایم برود

ما هو فعل امر من «قَصِدْنَ»؟
 (۱) اقصدن ✓
 (۲) اقصدتم
 (۳) اقصدن
 (۴) اقصد
نون حذف
نشان‌های ماضی

فی ای جواب ماجاء «لام الامر»؟
 (۱) لِذَهَبٍ ✓
 (۲) لِذَهَبِ
 (۳) لِذَهَبَا
 (۴) لِذَهَبِوَا
چون صغی معن فاعلات

وی لام امر برای صیغ‌های
غایب متکلم
 (۱) سَافِرِي = سافری
 (۲) دَمْرَارِي = دم‌راری
 (۳) تَقَاتِلُونَ = تقاتلوا
 (۴) تَحْسِنُونَ = احسنوا
تَف

فعل مضارع مجزوم به لم یا لمّا:

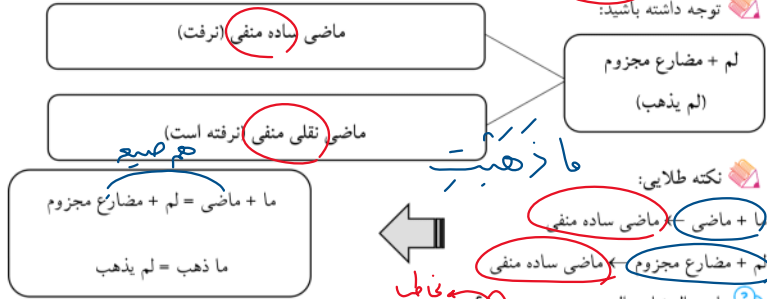
فعل مضارعی که به وسیله یکی از حروف «لم» یا «لمّا» مجزوم شده باشد، که نحوی ترجمه‌ی آن به صورت زیر است:

یذهب لم یذهب

مثال: لم یذهب: نرفت

مثال: لمّا یذهب: (هنوز) نرفته است

- ۱) لم + مضارع مجزوم ← ماضی ساده منفی
 - ۲) لمّا + مضارع مجزوم ← ماضی نقلی منفی
- توجه داشته باشید:



نکته طلایی:

- ۱) یا + ماضی ← ماضی ساده منفی
 - ۲) لم + مضارع مجزوم ← ماضی ساده منفی
- ما هو المضارع المجزوم من «سمعتم»؟

- ۱) لم یسمعوا
 - ۲) لم یسمعوا
 - ۳) لم یسمعوا
 - ۴) لم یسمعوا
- عین المعادل المناسب لهذه العبارة معناه «سمعتم في الهاتف صوتاً لم أكن أعرفه»
- ۱) سمعت في الهاتف صوتاً ما كان أعرفه
- ۲) سمعت في الهاتف صوتاً ما كنت قد عرفته
- ۳) سمعت في الهاتف صوتاً ما كنت قد عرفته
- ۴) سمعت في الهاتف صوتاً ما كان قد عرفته

فعل مضارع منصوب:

فعل مضارعی که به وسیله یکی از حروف ناصبه (أن و لن و کی، لیحتی / إذن و لذن و سه تا) به یکی از دو صورت زیر منصوب شده باشد:

- ۱) أن یأكلوا
 - ۲) أن تأكلوا
- فعلی که با یکی از حروف ناصبه (بجز إذن) منصوب شده باشد به صورت مضارع التزامی فارسی ترجمه می‌شود. آن یذهب: که برود

با آمدن «لن» فعل مضارع منصوب به صورت «آینده‌ی منفی» ترجمه می‌شود. لن یذهب: هرگز نخواهد رفت

آینده مثبت: فعل مضارع + معراج

آینده منفی: فعل مضارع + معراج

هرگز (لن) یا هرگز (لن)

ما هو المضارع المنصوب من «أكلتم»؟

- ۱) أن يأكلوا
- ۲) أن تأكلوا
- ۳) أن يأكلون
- ۴) أن تأكلوا

منفی بر سر مضارع: کیف تنفی العبارة «أ سافر إلى مدینتی فی الاسبوع القادم»؟

- ۱) لن أسافر...
- ۲) لم أسافر...
- ۳) لمّا أسافر...
- ۴) ما سافرت...

فعل ماضی نقلی:

نشان دهنده‌ی عملی است که در زمان گذشته انجام شده ولی اثر آن تا زمان حال ادامه داشته است؛ که روش ساخت آن به صورت زیر می‌باشد:

ذهب / قد ذهب

فعل ماضی نفلی:

نشان دهنده‌ی عملی است که در زمان گذشته انجام شده ولی اثر آن تا زمان حال ادامه داشته است؛ که روش ساخت آن به صورت زیر می‌باشد:

قد + ماضی ← قد ذهب (رفته است) {البته لازم به ذکر است که این فرمول برای رد گزینه قابل استفاده نیست.}

فعل ماضی استمراری:

نشان دهنده‌ی عملی است که به صورت مداوم و مستمر در گذشته انجام شده است؛ که روش ساخت آن به صورت زیر می‌باشد:

صرف «کان» + مضارع ← کان + یذهب (می‌رفت)

متکلم	مخاطب	غائب	
		مؤنث	مذکر
وحده	مؤنث	كانت تذهب	كانت تذهب
مع الغیر	مذکر	كانت تذهب	كانت تذهب
	مؤنث	كانت تذهبن	كانت تذهبن
	مذکر	كانت تذهبن	كانت تذهبن
	جمع	كانوا يذهبون	كانوا يذهبون

فعل ماضی بعید:

نشان دهنده‌ی عملی است که در زمان گذشته‌ی خیلی دور و یا قبل از فعل ماضی دیگری انجام شده باشد؛ که روش ساخت آن به صورت زیر می‌باشد:

صرف «کان» + **قد** + ماضی ← کان قد ذهب (رفته بود)

حضور «قد» الزامی نیست.

کان + ماضی ← ماضی

کان + مضارع ← مضارع

ماضی بعید
ماضی زنجیره
ماضی استمراری

متکلم		مخاطب			غائب		
مؤنث	مذكر	مؤنث	مذكر	مؤنث	مذكر	مؤنث	مذكر
كُنْتُ ذَهَبْتُ	كُنْتَ ذَهَبْتَ	كُنْتُ ذَهَبْتُ	كُنْتَ ذَهَبْتَ	كَانَتْ ذَهَبَتْ	كَانَ ذَهَبَ	كَانَتْ ذَهَبَتْ	كَانَ ذَهَبَ
كُنَّا ذَهَبْنَا	كُنْتُمْ ذَهَبْتُمْ	كُنْنَا ذَهَبْنَا	كُنْتُمْ ذَهَبْتُمْ	كَانَا ذَهَبْنَا	كَانُوا ذَهَبُوا	كَانَا ذَهَبْنَا	كَانُوا ذَهَبُوا

غیر إلى الماضي البعيد الفارسی «الامام الحسين (ع) يعرف أنه سوف يقتل». عبارتست از «الامام الحسين...»
 ۱) كان قد عرف أنه سوف يقتل
 ۲) كان يعرف أنه سوف يقتل
 ۳) يكون قد يعرف أنه سوف يقتل
 ۴) يكون قد عرف أنه سوف يقتل

نکته: قانون فاف

فعل	اسم	فعل
-----	-----	-----

نکته (لما بر سر ماضی و مضارع):

لما بر سر فعل مضارع حرف جازمه است و معنی «هنوز» می دهد و ترجمه می آن ضروری نیست ولی بر سر فعل ماضی

۱) است های آن فصل
 ۲) بر سر شفا فصل اول
 ۳) ترجمه می دیگر = (م)
 ۴) مهارت لغت - لغت